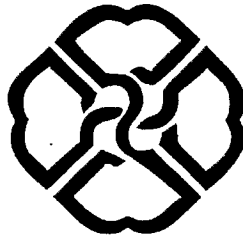


۱۳۸۷ / ۲ / ۷

۱۰۵۲۷ ✓



دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

ساختار سیاسی شاهنامه فردوسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

محمود علی اصغری

استاد راهنما

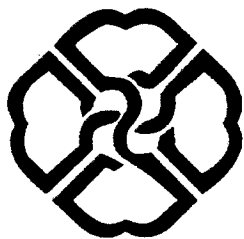
دکتر تیمور مالمیر

۱۳۸۷ / ۲ / ۷

تیر ماه ۱۳۸۶

۱۰۸۲۲۷

کتابخانه ادبیات و علوم انسانی  
تیمور مالمیر



دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

محمود علی اصغری

تحت عنوان

ساختار سیاسی شاهنامه فردوسی

در تاریخ ۸۶/۴/۳۱ توسط کمیته تخصصی زیر بررسی و با درجه ..... مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

(۱) استاد راهنمای پایان نامه آقای دکتر تیمور المیر

(۲) استاد مشاور پایان نامه آقای علیرضا مرامی

(۳) استاد داور آقای دکتر علی حیدری

(۴) استاد داور آقای دکتر سید اسعد شیخ احمدی

رئیس کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده آقای دکتر محمدعلی کیانی

استادیار

مربی

استادیار

استادیار

کتابخانه

## سپاس و قدردانی

ایزد یکتا را می ستائیم، که دانایی را همنشین آفرینش کرد.

از تمامی بزرگوارانی که در انجام این پایان نامه از یاری و همدلی

دلسوزانه آنان بهره مند بوده ام بسیار سپاسگزارم.

از زحمات بی دریغ استاد دانشمند جناب آقای دکتر تیمور مال میر که

راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفتند و با رهنمودهای سازنده خود

انجام این جستار را میسر ساختند تشکر و قدردانی می نمایم. همچنین از

جناب آقای علیرضا مرامی که در طول پرداخت این رساله نگارنده را از

مشاوره های خود بهره مند نمودند سپاسگزاری می کنم.

در پایان لازم می دانم از خانواده مهربانم، همسرم و فرزندانم مرتضی که

مدتها رنج و سختی را تحمل کرده و همواره در این راه مشوق من بودند

از صمیم قلب سپاسگزار باشم.

اگر نبود شکیبایی و همکاری دلسوزانه آنها این رساله به انجام

نمی رسید.

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات  
ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع  
این پایان نامه متعلق به دانشگاه کردستان  
است.

تقدیم به:

پدر و مادر مهربانم

همسر وفادار و شکیبایم

و

پسر م مرتضی

## فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱	چکیده
<b>فصل اول: کلیات</b>	
از صفحه ۳ تا ۸	
۳	مقدمه
۴	پرسش‌های بنیادی
۴	اهداف تحقیق
۵	پیشینه بحث
۶	روش کار
۷	تعاریف
۷	ساختار
۷	ساختار سیاسی
۷	سازواره و سازواره‌ی سیاسی
۸	اساطیر و سنت‌های سیاست
<b>فصل دوم: تبیین نظری سیاست در شاهنامه</b>	
از صفحه ۱۰ تا ۳۳	
۱۰	مفهوم و جنبه‌های سیاست
۱۱	سنت‌های سیاسی در شاهنامه
۱۴	خاستگاه حکومت و پیوند دین و دولت در شاهنامه
۱۷	نهادهای سیاسی در شاهنامه
۲۰	تعامل مردم و حکومت در شاهنامه
۲۳	ابعاد قدرت سیاسی در شاهنامه و اهرم‌های مهار آن
۳۰	کارکردشناسی ارکان سیاست در شاهنامه
<b>فصل سوم: ساختار سیاسی شاهنامه</b>	
از صفحه ۳۵ تا ۶۴	
<b>بخش ۱ دوره اساطیری</b>	
۳۵	ویژگی‌های سیاسی این دوره
۳۹	پیوند دین و دولت در دوره اسطوره‌ای
۴۱	پادشاهی کیومرث
۴۶	پادشاهی جمشید
۴۹	«انواع فر» و «جمشیده»
۵۰	«خود خداخوانی» جمشید
۵۱	پادشاهی فریدون
۵۶	فریدون و تقسیم جهان
۵۷	پادشاهی نوذر
۶۱	پادشاهی کیخسرو
<b>بخش ۲ ساختار سیاسی دوره تاریخی</b>	
از صفحه ۶۶ تا ۱۰۱	
۶۶	ویژگی‌های سیاسی این دوره
۶۷	پیوند دین و دولت در دوره تاریخی
۷۰	پادشاهی گشتاسب
۷۲	پادشاهی اردشیر بابکان
۷۶	پادشاهی شاپور اول
۷۷	پادشاهی شاپور ذوالاکتاف
۸۲	پادشاهی بهرام گور
۹۰	پادشاهی قباد و کسری انوشیروان
۹۹	خسرو پرویز واپسین پادشاه مقتدر ساسانی
<b>فصل چهارم: نتیجه‌گیری</b>	
از صفحه ۱۰۳ تا ۱۰۸	
۱۰۳	نتیجه‌گیری
۱۰۶	منابع و مآخذ
	چکیده انگلیسی

### چکیده:

شاهنامه از جمله شاخص‌ترین متون ادب فارسی است که به طور گسترده تم اصلی آن را مسائل سیاسی و کشورداری تشکیل می‌دهد. چنان‌که می‌توان این اثر را مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی-اجتماعی ایرانیان از کهن‌ترین روزگاران تا برافتادن ساسانیان دانست. اما به نظر می‌رسد عنصری که ادبیت را در شاهنامه پررنگ‌تر ساخته است پردازش استادانه زبان و شکل اثر است که موجب شده شاهنامه، شاهکاری جهانی شود.

روش کار این تحقیق بر بنیاد دانش ساختاری است، که ضمن پرداختن به روساخت سازه‌های سیاسی در شاهنامه عمدتاً با مقایسه دو دوره اسطوره‌ای و تاریخی اثر، به تحلیل ژرف ساخت مهم‌ترین نظام‌های سیاسی موجود پرداخته‌ایم؛ و با توجه به اهمیت بررسی تقابل‌های دوگانه ضمن توصیف روساخت سیاسی شاخص‌ترین شهریاری‌های هر دوره در بررسی و تفسیر زیرساخت آنها کوشیده‌ایم.

ساختار سیاسی در شاهنامه اساساً بر یک الگوی سیاسی مبتنی است، که در دوره اساطیری شکل آرمانی آن بیان شده و در دوره بعد به تدریج از آن فاصله می‌گیرد و شکل‌های افول‌یافته آن تبیین می‌شود؛ به طوری که سرانجام با پیوند دین و دولت به سمت تمرکزگرایی سیاسی پیش می‌رود.

الگوی سیاسی در دوره نخست از کیومرث آغاز شده پس از طی مراحل ساده و ابتدائی خود در وجود کیخسرو به شهریاری آرمانی تبدیل می‌شود، اما با آمدن لهراسب و آغاز دوره تاریخی افول این الگو آغاز شده و در حقیقت این الگو به سمت وحدت دین و دولت حرکت می‌کند و سرانجام همین عامل، حکومت ساسانی را در برابر اعراب به سقوط می‌کشاند. کلید واژه‌ها: سیاست- ساختار- شهریاری- اسطوره- تاریخ- تمرکزگرایی.



# فصل اول: کلیات

## ۱-۱- مقدمه

شاهنامه از جمله به یادماندنی‌ترین شاهکارهای ادبی ایران و جهان است، که تقریباً برش کاملی از تاریخ و اساطیر را می‌توان در آن دید. به راستی که این اثر همچون آینه‌ای زندگی انسان و جهان باستان را به کوشش فردوسی در خود بازتابانده است.

فردوسی با آفرینش این اثر بزرگ، احیاگر بخش مهمی از تصویر روزگاران فراموش شده بشر است. شاعر توس با گردآوری و آفرینش بهترین عناصر ادبی و زبانی علاوه بر خدمت شایان خود به فرهنگ و ادبیات ایران و جهان، گامی بلند در گردآوری اسناد «انسان‌شناسی سیاسی» دره‌ی باستان برداشت. رنج‌سی ساله فردوسی به بار نشست و ما اکنون دایرةالمعارف بزرگی در زمینه و ادبیات، زبان، فرهنگ و سیاست گذشته ایران پیش روی خود داریم.

شاهنامه اثری است با طیف گسترده مطالعاتی و پژوهشی. شاید بتوان به زبانی این کتاب را تنها کتیبه ارزشمند و ستودنی جهان اسطوره و تاریخ خواند که از گزند باد و باران در امان مانده و امروزه نه تنها از دریچه ادبیات، که از نگاه جامعه‌شناسی و سیاست ایرانیان گذشته فوق‌العاده ارزشمند است. تنها شاهکارهای بزرگ جهان هستند که چنین مطالعات چندجانبه‌ای را برمی‌تابند و شاهنامه از سرآمدان این آثار است.

مطالعه شاهنامه از دید سیاسی از آن رو مفید است که نه تنها می‌توان به رگه‌های زیرین خرد سیاسی ایرانیان، بلکه شریان گذشته و حتی امروزی رسید. شاهنامه تجلی نهاد ناخودآگاه سیاسی-اجتماعی مردم ایران زمین است. به شاهنامه که می‌نگریم، تاریخ و زندگی چند هزار ساله انسان گذشته را در برابر خود می‌یابیم (ریاحی، ۱۳۷۶: ۴۴) اگرچه شاهنامه را چونان اثر ادبی می‌خوانیم، اما نمی‌توان نادیده گرفت که هر اثر ادبی ترجمان ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی روزگار خود است. شعر فارسی، مهمترین منبع برای شناسایی قوم ایرانی و سیر فکر و ادراک او در دوران بعد از اسلام است (اسلامی، ندوشن، ۱۳۴۹: ۵) شاهنامه تاریخ و فرهنگ ایران باستان است در قالب شعر و ادبیات، و تاریخ بخش مهمی از موجودیت خود را به جهان سیاست مدیون است، و این گزاره در شاهنامه در دو قالب اسطوره و تاریخ بازتاب یافته است. بخش اسطوره‌ای از پادشاهی کیومرث آغاز می‌شود و تا پایان روزگار کیخسرو دوام می‌یابد. از نگاهی می‌توان این بخش را تاریخ فراموش شده و غبار گرفته ایرانیان نامید. زمان و مکان و وجود تاریخی شخصیتها ملموس نیست. گویا به راستی زبان اسطوره معیارها و تعریف‌های خاص خود را دارد. نه عمر فریدون و ضحاک صبغه به تاریخ می‌برد، و نه پیدایش و شکل‌گیری ناگهانی نخستین پادشاهی و سرانجام اینکه بزرگترین پادشاه

این بخش یعنی کیخسرو کجا و چگونه به نیستی می پیوندد؟ این همه از دسترس تاریخ به دور می ماند و نام اسطوره به خود می گیرد.

دومین بخش شاهنامه تاریخ است، از پادشاهی لهراسب آغاز می شود و تا برافتادن یزدگرد سوم، واپسین شهریار ساسانی، ادامه می یابد. اما نکته گفتمنی این که حتی در این بخش هم تاریخ عیناً همانند دیگر متون تاریخی امروزی جریان ندارد؛ به ویژه تا پیدایش اسکندر، این خرده بخش نه اسطوره است و نه تاریخ. یک بخش بینابین است. یک پا در جهان اسطوره دارد و یک پا در تاریخ. زمان مفهوم امروزی خود را نیافته است. به راستی معلوم نیست رستم چند صد سال عمر کرده است. زال چگونه. جنگ او با اسفندیار دقیقاً کی و کجا روی داده است؟ زرتشت همان پیامبر ایران باستان است که در دوره ی گشتاسب ظهور می کند یا نه؟ این پرسش ها و مانند اینها پژوهنده را بین تاریخ و اسطوره نگه می دارد. از سوی دیگر مورخین از همانندیهای بین برخی شخصیت های هخامنشی و گشتاسپیان سخن گفته اند. آیا بهمن پسر اسفندیار همان اردشیر هخامنشی است؟ دارای داراب همان داریوش سوم هخامنشی نیست؟ کوتاه سخن اینکه همان بهتر که این خرده بخش بین اسطوره و تاریخ بماند و ما تلاش می کنیم در فصل سوم دو بخش اصلی شاهنامه را از دید سیاسی مطرح کنیم.

موضوع رساله بررسی ساختار سیاسی شاهنامه است. محدوده کار نیز کل شاهنامه ی فردوسی است که هزار بیت دقیقی شاعر را هم در برمی گیرد. رساله حاضر در چهار فصل ارائه می شود. در فصل یک به مقدمه و کلیات پرداخته ایم و تعاریف برخی اصطلاحات را آورده ایم. در فصل دو سیاست و تبیین نظری سیاست در شاهنامه آمده است و در فصل سوم این مباحث در دو دوره شاهنامه را طرح کرده ایم. و نهایتاً در بخش پایانی مباحث مذکور نقل شده است.

### ۱-۲- پرسش های بنیادی رساله

- ۱- ساختار اصلی سیاسی در شاهنامه چیست؟
- ۲- منشأ قدرت در شاهنامه آسمانی است یا زمینی؟
- ۳- رابطه ی قدرت سیاسی با نهادهای اجتماعی چگونه است؟
- ۴- اهرم های مهار قدرت در شاهنامه کدامند؟
- ۵- پیوند دین و سیاست در شاهنامه به چه صورت تبیین می شود؟
- ۶- کارکرد سیاسی هر یک از ارکان سیاست در شاهنامه چگونه است؟
- ۷- رابطه سنت های سیاسی با ساختار سیاسی شاهنامه به چه صورت است؟

### ۱-۳- اهداف تحقیق

- ۱- بدست دادن خوانش و رویکردی سیاسی از شاهنامه، با تلاش به اینکه نسبت به پژوهش های پیش از خود جامع تر باشد.

۲- تبیین تفاوت اسطوره‌ی سیاسی و تاریخ سیاسی در شاهنامه و مرز جداساز این دو مقوله بسیار مهم از هم.

۳- تعریف شاهنامه فردوسی به عنوان نهاد ناخودآگاه جمعی ایرانیان که اساطیر سیاسی، اجتماعی ما امروزیان اگر نه به تمامی دست کم بخش بزرگی در آن بازتاب یافته است.

۴- گام برداشتن برای هرچه به روزتر کردن مفاهیم موجود در آثار کهن ادبی از جمله شاهنامه که مشخصاً حوزه کار ما است.

۵- آماده کردن بستری مناسب در بین آثار کهن ادبی برای هموار شدن مسیر مطالعات جامعه‌شناختی، سیاسی برای پژوهشگرانی که لزوماً در حوزه ادبیات نیستند جهت کاربرد عملی مفاهیم مفید این آثار.

#### ۱-۴- پیشینه بحث

در حوزه شاهنامه‌شناسی جای بررسی سیاسی همه جانبه خالی است. از آنجائی که سیاست در شاهنامه مقوله بسیار پراهمیتی بوده بطوری که این اثر را تا حد گونه‌ای «سیاست‌نامه» قابل ارزیابی می‌گرداند، هرچند دیر هنگام لکن اخیراً پژوهشگران از این منظر به شاهنامه نگریسته‌اند و آثاری در قالب کتاب و مقاله منتشر نموده‌اند و گویی چنین رویکردهایی آغازی است بر پایان توصیف و تعریف‌هایی صرفاً ادبی و گزارشگرانه که قرن‌ها نثار آثاری چون شاهنامه شده است. با این همه عیب این گونه پژوهش‌ها- که شاید در آغاز راه خیلی هم عیب نتوان شمرد- این است که غالباً در حکم تک‌نگاری است و تمام مسائل سیاسی شاهنامه را در بر نداشته است و هیچ یک بررسی فراگیری در این زمینه که در برگیرنده‌ی کل پیکره‌ی سیاست در این اثر باشد انجام نداده‌اند، هر کدام از این پژوهش‌ها با دیدی خاص و خوانشی ویژه که گاه ضرورتاً شاهنامه‌شناختی هم نیستند به موضوع پرداخته‌اند. برای مثال باقر پرهام در کتاب «با نگاه فردوسی مبانی نقد خرد سیاسی در ایران» عمدتاً به تک‌نگاریهایی در باب سیاست در شاهنامه پرداخته است.

مصطفی رحیمی در کتاب «تراژدی قدرت در شاهنامه» مصرانه بر این است که قدرت فساد می‌آورد، بدیهی است که چنین رویکردی به مقولات سیاست از جمله قدرت شتاب‌زدگی است و برآوردی تک بعدی. و آنگهی این کتاب همه‌ی ابعاد سیاست را در شاهنامه در بر نمی‌گیرد، در حالی که «قدرت سیاسی» صرفاً یک جنبه از ساختار سیاسی است.

جامعه‌شناسی خودکامگی از علی رضاقلی ضمن اینکه همه پادشاهات شاهنامه را یکسره خودکامه می‌داند و هیچ چهره‌ی «اهورایی» بر خلاف آنچه پردازندگان شاهنامه در نظر داشته‌اند نمی‌بیند، همچنان از تک بعدی نگری رنج می‌برد. طبق تحلیل این کتاب، یک الگوی سیاسی بیشتر در شاهنامه نمی‌توان یافت، و آن همانا «نظام ماردوشی» است. بدیهی است که چنین پردازشی مصداق «تر و خشک با هم سوزاندن» و یا «همه را به یک چوب راندن» است. البته از جنبه‌های بسیار مفید این نوع تحلیل توجه به زیر ساخت‌ها و برآندهای ساختار سیاسی اجتماعی است که تا حد زیادی به حل مسأله کمک می‌کند. نگارنده این رساله

تصور می‌کند چنین برآوردی از شاهنامه بیش و پیش از آن که به سازه‌های سیاسی شاهنامه ربط داشته باشد، با بسترهای اجتماعی و خاستگاه‌های فرهنگی موجود که الزاماً شاهنامه‌ای هم نیستند پیوند دارد.

ف. م. جوانشیر در حماسه داد به کتاب خود عمدتاً رنگ حزبی و مرامی داده است و با جزم اندیشی‌های خود پژوهش را تا حد یک مانیفست (مرام‌نامه‌ی حزبی) پایین آورده است، بدیهی است که این نوع نگرش، تحقیق را از بنیادهای علمی دور می‌کند تا حدی که خواننده تیزبین با یک سری مقالات تند ژورنالیستی روبه‌رو می‌شود.

بنابراین جای اثری جامع و فراگیر درباره ساختار سیاسی شاهنامه که هم قدرت سیاسی هیئت حاکمه را در آن مدنظر داشته باشد و هم به قدرت پنهان و گاه آشکار طبقه‌ی محکوم (مردم) پردازد خالی بود، و ضمناً قدرت موازی دیگر ارکان سیاسی از جمله موبدان و پهلوانان را هم مورد تحلیل قرار دهد، تلاش می‌کنیم در این رساله به چنین رویکردی دست بیابیم.

اما نکته‌ای که باید ذکر شود مشکل چنین بررسی همه‌جانبه‌ای است. دلیل این مشکل هم به گستردگی و پیچیدگی مقوله سیاست برمی‌گردد. چه سیاست شامل دین، جامعه و فرهنگ هم خواهد بود، برای حل این مشکل نگارنده تلاش می‌کند با تکیه بر ساختارشناسی تحلیل را در دو سطح روساخت و ژرف‌ساخت به انجام برساند و آن را در دوره اسطوره‌ای و تاریخی شاهنامه تا درجه توان خود عملی سازد.

### ۱-۵- روش کار

روش کار ما در این تحقیق مبتنی بر دانش ساختاری است. و عمدتاً با مقایسه دوره‌های دوگانه شاهنامه (اساطیری و تاریخی) به تحلیل ساخت‌های مختلف نظام‌های سیاسی پرداخته‌ایم. در تحلیل دوره‌ها از آوردن جزئیات بحث دوری کرده‌ایم، اما آنجا که میدانی برای بررسی وجود داشت ضمن توجه و پردازش به روساخت‌ها بر همان اساس مقایسه زیرساخت دوره‌ها را تحلیل کرده‌ایم. برای نمونه در روساخت دوره اساطیری شاهنامه کیخسرو شهریاری آرمانی و ایده‌آل شناخته می‌شود، البته چنین روساختی در دوره تاریخی نمی‌بینیم. نخست به تحلیل زیرساخت چگونگی برآمدن کیخسرو و تبدیل شهریاری زمینی به گونه‌ی آرمانی پرداختیم و سپس در دوره تاریخی تلاش کردیم این مسأله را بیان کنیم که چه مکانیسمی از پیدایش و ظهور دوباره‌ی شخصیتی همانند کیخسرو جلوگیری کرده است. یا اینکه در روساخت دوره اساطیری و بخشی از دوره تاریخی شخصیتهایی چون سام، زال و به ویژه رستم با وجود پند و اندرز و گاه نهیب بر شاهان هرگز در صدد نشستن بر جای شاهان بر نمی‌آیند، لکن در دوره تاریخی کسانی چون بهرام چوین، فراتین گرز و ماهوی سوری و ... این سنت سیاسی را در شاهنامه می‌شکنند و ابایی از برتخت نشستن و کنار زدن شاهان ندارند

متن اساسی این رساله شاهنامه چاپ مسکو است. برای رعایت اختصار در ارجاعات از شماره‌هایی بدین صورت استفاده شده است: شماره‌ی نخست نسبت به خواننده از سمت راست شماره‌ی جلد است. پس از خط کج شماره‌ی صفحه یا صفحات آمده، پس از آن نیز یک خط کج شماره‌ی ابیات را از شماره‌ی صفحات جدا می‌سازد. اگر بیش از یک بیت مورد نظر بوده باشد میان شماره‌ی آغاز و پایان ابیات نشانه‌ی فاصله- قید شده است. شیوه‌ی ارجاع به منابع در دورن متن درون دو کمان (نام و نام خانوادگی نویسنده، سال نشر: صفحه یا صفحات با قید نشانه‌ی فاصله-) خواهد آمد. مانند (اسلامی ندوشن، ۱۳۴۹: ۳) و در مورد شاهنامه (۱۶/۱۱۹/۲) یعنی (جلد ۲/ص ۱۱۹/بیت ۱۶). و یا (۱۱۷/۳-۱۱۵/۱۳-۹) یعنی (جلد ۳/صفحات ۱۱۷ تا ۱۱۵/ابیات ۱۳ تا ۹).

## ۱-۶- تعریف اصطلاحات

### ۱-۶-۱- ساختار

ساختار علی‌رغم عنوان نسبتاً جوانش مفهومی بسیار کهن دارد. در فرهنگ‌های علوم سیاسی «ساخت و ساختار» برای مشخص نمودن طرز به هم پیوستگی یک مجموعه و ناهمگنی آن با سایر مجموعه‌ها است. به عبارت دیگر، ساخت یا ساختار، بیانگر نظم و نسق مجموعه‌ای از اشیاء، اجزا و نیروهایی است که به نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند که کلی خاص را تشکیل می‌دهند. (آقا بخش، ۱۳۷۴: ۳۳۰).

بنابراین می‌توان ساختار را شبکه‌ای بهم بافته و پیوند خورده از اعضای یک مجموعه دانست که وجود و کارکرد هر یک برای رسیدن به هدفی مشترک بایسته است، بطوری که فقدان هر کدام از آنها کلیت ساختار را دگرگون می‌سازد.

### ۱-۶-۲- ساختار سیاسی

این اصطلاح تقریباً در فرهنگ‌های علوم سیاسی مسکوت مانده است و نگارنده توصیفی در این باره ندیدم، لکن تلاش می‌کنیم تعریفی از این اصطلاح به دست دهیم. این عبارت به نظر می‌آید بیانگر نظم و پیوندی باشد از هموندانی که عاملی واحد بوجود آورنده‌ی این پیوند است. یک ساختار سیاسی همه‌ی بخش‌های مدنی و اجتماعی یک جامعه را در برمی‌گیرد و عبارتی بهتر این نوع از ساختار تمامی بخش‌های مدنی جامعه است. عاملی هم که اعضای این ساختار را بهم می‌پیوندد «قدرت سیاسی» است. یک ساختار سیاسی شامل تمام نهادها و ارگان‌هایی است که به نحوی دست‌اندرکار گزاره‌ها و برنامه‌های سیاسی اجتماعی آن جامعه است. نظام سیاسی- قدرت، حاکمیت، توده‌ی مردم، کارگزاران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع همگی از اعضای شبکه‌ی ساختار سیاسی هستند.

بنابراین ساختار سیاسی را می‌توان عبارت از نوع چینش نهادهای سیاسی در یک جامعه دانست.

### ۱-۶-۳- «سازواره» و «سازواره سیاسی»

«سازواره» را کوچکترین واحد و بخش تجزیه‌ناپذیر هر ساختار پنداشته‌ایم. طبق این برداشت هر ساختاری از مجموع چند سازواره بوجود آمده است. در ساختار سیاسی بیشتر می‌توان آنرا «الگو» یا «قالب سیاسی» نامید. برای مثال آیین تاج‌گذاری در شاهنامه می‌تواند یک سازواره‌ی سیاسی فرض شود. مثالی دیگر

از ساختار نظامی شاید بیانگر مفهوم باشد؛ در شاهنامه سازماندهی‌های نظامی و صف‌آرایی‌ها مثل قلب و جناح‌ها می‌توان بعنوان سازواره‌های ساختار جنگی نام برد.

#### ۱-۶-۴- اساطیر و سنت‌های سیاسی

اسطوره تاریخ راستینی است که در سرآغاز زمان روی داده و الگویی برای رفتار انسان فراهم آورده است. انسان جامعه‌ی باستان با تقلید از کردارهای سرمشق گونه‌ی خدا یا قهرمانی اسطوره‌ای ... خود را از زمان فانی دور می‌کند و به شکلی جادویی وارد زمان بزرگ، زمان مقدس می‌شود (الیاده، ۱۳۷۴: ۴-۲۲).

اسطوره از یک نگاه تاریخ است چون به سرآغاز زمان تعلق دارد. «بندهشن» همان برابر فارسی این مفهوم از اسطوره است؛ از نگاهی دیگر الگویی برای رفتارهای انسانی بوده و هست، بنابراین می‌توان آنرا یک نوع تفکر و جهان‌بینی دانست، از طرف دیگر چون به جهان خدایان می‌پیوندد می‌تواند تداعی‌گر مذهب و دین باشد. در اساطیر، زمان رنگ می‌بازد، چون در حقیقت آفرینش اسطوره برای نفی زمان است، زمان محدود این جهانی در اسطوره گسترش می‌یابد، برای همین مقدس است، زمان مقدس عرصه‌ی خدایان است. کهن‌ترین اسطوره‌ها به جهان خدایان تعلق می‌یابد. اساطیر بین‌النهرین عمدتاً از این دست است. اسطوره‌ی «پیدایش انسان» را می‌توان نمونه‌ی بارز آن دانست، در این اسطوره آغازین همه‌ی خدایان گرد آمده‌اند و انسانی را به عنوان جانشین خود در روی زمین می‌آفرینند. از آنجایی که سیاست در جوامع کهن زاده‌ی مذهب و دین تلقی می‌شود می‌توان به پیوند آن با اسطوره پی برد.

منظور از سنت آیین و قوانینی است که مکتوب نیست، سینه به سینه است، سنت‌های سیاسی به وسیله‌ی حاکم و سازمان خاصی تدوین نشده است. شروع آن معین نیست، مثل یک تفکر جمعی در ذهنیت غالب مردم حضور دارد، شاید همه آن را نپسندند اما اگر خود در مقام اجرا و انجام باشند همان کاری را می‌کنند که دیگران کرده‌اند. (مالمیر، ۱۳۸۳: ۸۷) به نظر می‌آید اگر چه بین اساطیر و سنت‌ها پیوندی ژرف وجود داشته باشد، اما اساطیر به زمانهای کهن متعلق است. اساطیر خویشکاری خدایان و ایزدان است اما سنت‌ها یادمانهای ژرف و قوانین نهادینه شده‌ی جوامع است. سنتها را معمولاً طبقه‌ی حاکم وضع می‌کنند و طبقه‌ی محکوم مجریان آن هستند. اسطوره هر دو مقوله‌ی دین و سیاست را در خود می‌تواند داشته باشد اما سنت لزوماً این گونه نیست و نیز تأثیرگذاری آن به میزان اساطیر نیست. سنت‌های سیاسی گاه توسط شاهان و دیگر بزرگان سیاسی اختصاصاً در شاهنامه توسط پهلوانان و موبدان شکسته می‌شود، برای مثال سام علی‌رغم این که فره ایزدی از نوذر دور شده بود و طبق سنت سیاسی - که شاهان را انسان کامل و بدور از نقص تصور می‌نمود باید از قدرت سیاسی دست می‌کشید، شکستن سنت مردم را متقاعد نمود که فره را به نوذر بازگردانده است - اما اسطوره توسط کسی در هیچ زمانی شکسته نمی‌شود، بویژه اساطیر سیاسی.

## فصل دوم:

### تبیین نظری سیاست در شاهنامه



## ۱-۲- مفهوم و جنبه‌های سیاست در شاهنامه

«سیاست» در شاهنامه بنیادی‌ترین مقوله‌ای است که پیکره‌ی عظیم این اثر سترگ را می‌سازد، چارچوب و استخوان‌بندی اثر فردوسی را می‌توان همین مقوله دانست. به اصطلاح منطقیات موضوع اصلی این کتاب «سیاست» است در کنار «تاریخ» ابزاری که فردوسی برای بیان موضوع خود برگزیده است زبان شعر و ادبیات است. پیش از فردوسی در روزگاران کهن ایران، زبان ادبیات، باز، ابزار بیان مقاصد دینی و احیاناً سیاسی قرار گرفته بود، یعنی اوستای زرتشت. مانی هم در کتاب خود «ارژنگ» با تصاویر مفاهیم مذهبی و احکام عقیده خود را تبیین کرده بود: هنر نقاشی. با این تفسیر می‌توان گفت ادبیات ابزاری است در شاهنامه برای پرداختن به جهان سیاست در ایران باستان، در دو دوره‌ی اساطیری و تاریخی.

شاهنامه در حقیقت خاطراتی از پدید آمدن و استوار شدن مبنای ملیت ایرانیان است. موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض حکومت او به دست اعراب است. این عرصه ممتد تاریخی ایران به پنجاه دوره‌ی شاهی تقسیم می‌شود. (صفا، ۱۳۸۳: ۲۱۶-۱۵)

تاریخ ایران در شاهنامه با سیاست آغاز می‌شود. می‌توان مفهوم سیاست را در این اثر «آیین کشورداری» دانست. و به زبان شاهنامه آیین جهان‌داری. پژوهنده‌ی روزگار نخست که به قولی ابومنصور محمد بن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بود (ریاحی، ۱۳۷۶: ۵۴) همین مفهوم را از شهریاری و سیاست در نظر داشته است:

پرسیدشان از نژاد کیان	وز آن نامداران فرخ گوان
که گیتی به آغاز چون داشتند	که ایدر به ما خوار بگذاشتند

(۱۳۱-۲/۲۱/۱)

واحد سیاسی هم نه ایران- بلکه جهان است، عنوان اغلب شاهان هم «جهان کدخدای» آمده است. بتابید از آن سان زبرج بره که گیتی جوان گشت ازو یکسره کیومرث شد برجهان کدخدای نخستین به کوه اندرون ساخت جای

(۸-۹/۲۸/۱)

بنیاد اندیشه‌ی سیاسی در شاهنامه با «شهریاری» آغاز می‌گردد. به تعبیری تاریخ اساطیری شاهنامه با «پادشاهی» پدیدار می‌شود. اندیشه‌ی سیاسی پادشاهی بر دسته‌ای از باورها و اعتقادات استوار بود که در مجموع جهان‌بینی و چارچوب نظری ایرانیان را تشکیل می‌داد. (رجائی، ۱۳۷۵: ۵۶) البته اگرچه چنین است

یعنی اندیشه‌ی سیاسی در شاهنامه با شهریاری یکی دانسته می‌شود، این بدین معنی نخواهد بود که مثلاً نخستین شهریاری را با آغاز سیاست یکسان بدانیم، چرا که در همان داستان نخست بنا به چند برهان می‌توان بر آن بود که نخستین نهاد سیاسی در شاهنامه، شهریاری و یا شهریاری کیومرث نیست؛ برای نمونه منظور از عبارت «از آن برتران» در بیت:

که نام بزرگی که آورد پیش      که را بود از آن برتران پایه پیش

(۲۸/۲۸/۱)

چیست و چه کسانی هستند؟ نه آیا اشاره به فرمانروایان پیش از کیومرث و یا حداقل معاصران کم فروغ وی دارد؟ نگارنده تصور می‌کند فردوسی و دیگر پردازندگان شاهنامه حتماً نمی‌خواستند داستان شکل‌گیری نخستین نهاد سیاسی و کدخدایی را برایمان باز بگویند، بلکه باید توجه داشت از آن‌جایی که ساختار اندیشه‌ای که فردوسی در آن می‌زیسته و حتی دوره‌ی ساسانی که خداینامک، اصیل‌ترین منبع روایات شاهنامه در آن تألیف شده ساختار سیاسی پادشاهی بوده است و اساساً غیر از آن ساختاری قابل تصور نبوده است، بنابراین تلاش شاهنامه الزاماً بیان اسطوره‌ای «شهریاری» است. به عبارتی می‌توان گفت شاهنامه داستان را از جایی آغاز می‌کند که رئیس قبیله‌ای برای نخستین بار خود را «شهریار» نامید و آیین تخت و کلاه پیش آورد و دیهیم برسر نهاد. همچنان که محمود غزنوی نخستین کسی بود که خود را «سلطان» نامید، یا اینکه لقب «امیرالمؤمنین» برای بار نخست به عمرین الخطاب داده شد، در حالی که مشخصاً پیش از هر دوی این افراد هم «کشورداری» مرسوم بوده و هم کسی بوده است که کشور را ریاست می‌نمود. با این تفصیل می‌توان ساختار سیاسی شاهنامه را عبارت از واحدی دانست که نظام آن شهریاری-قبیله‌ای بوده است. این نظام سیاسی فراگیری است که از آغاز تا پایان ساختار سیاسی شاهنامه پابرجا هست، و تنها چیزی که فرق می‌کند شخصیت افراد است. در تاریخ سیاسی شاهنامه چندان تفاوتی بین کیومرث و یزدگرد سوم نیست چه هر دوی آنها متعلق به نظام سیاسی واحدی هستند. شاهنامه تاریخ ایران- بلکه جهان را- با شهریاری آغاز شده می‌پندارد و در واقع هم، همین تاریخ را با فروپاشی ساسانیان پایان یافته می‌داند و فردوسی هم به هیچ روی حاضر نیست تاریخ پس از شهریاری برای ایران تصور کند.

## ۲-۲- سنت‌های سیاسی در شاهنامه

در بحثی که گذشت تلاش کردیم مفهوم سیاست را در ایران قدیم و شاهنامه تبیین کنیم، ماحصل سخن این بود که در ایران باستان اگرچه نخستین نهاد سیاسی و به عبارتی اندیشه‌ی سیاسی را با شهریاری کیومرث آغاز کرده‌اند اما شهریاری نقطه‌ی آغاز اندیشه‌ی سیاسی در ایران قدیم نبوده است. نهاد پادشاهی در معنای تمرکز قدرت از یک سو پاسخی بود به چالش درونی وارد بر قبایل آریایی تازه کوچ کرده، و از سوی دیگر پاسخی بود به ضرورت حفاظت از وطن جدید آریایی. (رجایی، ۱۳۷۵: ۶۸) بنا بر این روشن می‌شود که پیش از برپایی پادشاهی همچنان تفکر سیاسی بین ایرانیان قدیم بوده است هرچند بطور پراکنده. تفکر شاهی نماینده‌ی تمرکز و محوریت بخش به اندیشه‌های موجود در جهان سیاست ایرانیان گذشته بوده است. بدیهی

هم هست که این نهاد را نظام توسعه یافته‌تر و پیچیده‌تری از مرحله‌ی سیاسی شدگی و مدنیت یک جامعه بدانیم؛ و بعید می‌نماید که ابتدای به ساکن جوامع به نظام پیشرفته و متعالی پادشاهی دست یافته باشند.

نکته‌ی جالبی که در سبده‌دم سیاست در شاهنامه بچشم می‌خورد و تا به پایان تاریخ شاهنامه هم دوام پیدا می‌کند چارچوب معین و ارگانیک سازوکار داری است که نخستین اندیشه‌ی سیاسی در شاهنامه با خود دارد. به دیگر سخن در شاهنامه نه تنها مدنیت ایرانی و جهانی با شهریاری آغاز می‌شود بلکه هم این، نخستین فرازگاه شکل‌گیری نهاد خانواده و حتی نهاد دین است. دین، سیاست در بطن خانواده است. این چیزی است که شاهنامه درباره‌ی اندیشه‌ی سیاسی ایران گذشته به ما می‌گوید. پادشاهی کیومرث نوعی پدر-شاهی است که روحانیت جامعه هم به عهده‌ی او است.

### سنت‌های سیاسی شاهنامه را می‌توان در پنج محور برشمرد:

- ۱- فردگرایی، ۲- تلاش در نگه‌داری مرز میان شاهی و پهلوانی، ۳- رایزنی، ۴- کین‌خواهی، ۵- موروثی بودن پادشاهی و اصالت تخمه و نژاد.

(مالمیر، ۱۳۸۳)

سنت‌های سیاسی شاهنامه بخصوص، و ایران باستان عموماً سخت متأثر از سنت‌های سیاسی شرق بویژه آسیای غربی و بین‌النهرین است. در ادوار تاریخی تمدن‌های شرقی تصور می‌شد که جهان مادی و به تبع آن جهان سیاست جزئی از دایره‌ی قدسی وجود است، ساختار سیاسی شرق باستان و به تبع آن ایران و شاهنامه در حقیقت زیر مجموعه‌ی ساختار دینی بوده است. در تاریخ طولانی تفکر بشری یک سنت عمیق و مهم تفکری وجود دارد که ریشه در وحی و ادبیات مقدس دارد. از آنجائی که بسیاری از ادیان شرقی داعیه‌ی برپایی ساختارهای گوناگون اجتماعی و شکل‌دهی به آنها حتی ساختار سیاسی هستند از جمله یهودیت، وداها و اسلام و حتی دین زرتشتی می‌توان بر آن بود که ساختار سیاسی این جوامع همچون روئینایی برای ساختار دینی آنها است. در جهان‌بینی بین‌النهرینی سیاست عین جهان‌بینی دینی است زیرا سیاست، اربابان سیاسی و عملکرد سیاسی مصداق خدایان در روی زمین تلقی می‌گردند. (رجائی، ۱۳۷۵: ۲۴)

بزرگترین و نخستین سنت سیاسی و اساطیری در شاهنامه همانا، «شهریاری» است. زندگی ایرانیان از غبار گرفته‌ترین لحظات زمان با «شاهی» آغاز شده است. ساختار شاهی از نظر شاهنامه بسیار دیرنده و همراه با آغاز آفرینش در نزد ایرانیان است. بی‌دلیل نیست که فردوسی نخستین انسان سنت اوستایی را نخستین شاه قرار داده است. از آن زمان پادشاهی جزئی از زندگی ایرانیان گردید و می‌توان گفت نخستین نهاد مهم مدنی و سیاسی که در شاهنامه به آن برمی‌خوریم نهاد شهریاری است مرکز نیرومندترین قدرت حکومت و جامعه ایران باستان در درازای تاریخ بی‌گمان شاهنشاهی و اندیشه‌ی شاهی است. (رجائی، ۱۳۷۵: ۶۸) «بهار» بخش بزرگی از اندیشه‌ی سیاسی شاهی در بین آریاییان را وام گرفته از سنت و اساطیر آسیای غربی می‌داند. در واقع ریشه‌ی بنیان هیچ امر سنتی را نباید در دوران تاریخی تمدن ملل جست‌وجو کرد زیرا معمولاً، آنچه به سنت؛ مردمان اعصار جدیدتر را رسیده است، همه به اعصاری مربوط است که هنوز خطی و کتابی در میان

نبوده است یعنی اعصار پیش از تاریخ. (بهار، ۱۳۸۴: ۲۷) شاید بتوان اسطوره‌ی سیاسی شاهی را گونه‌ای «بازگشت جاودانه» و نوعی نوشدگی زمان و مکان خواند؛ و خدایان را نمونه‌ی ازلی شاهان زمینی دانست نه آیا «اهوره مزدا» در دین زرتشت خود را شهریار می‌خواند.

زرتشت از اهوره مزدا پرسید:

ای اهوره مزدایِ اَشَوَن!

مرا از آن نام خویش ... بیا گاهان ...

آنگاه اهوره مزدا گفت:

ای زرتشتِ اَشَوَن! ...

نگاهبان نام من است.

پشت و پناه نام من است ...

جویای شهریاری نیکی نام من است.

شهریار دادگر نام من است.

دادگرترین شهریار نام من است.

(دوستخواه، ۱۳۸۶: ۵-۲۷۱)

امشاسپندان ایران نمونه‌ی ازلی موبدان، اشراف و درباریان دوره‌ی شاهی هستند. پادشاهان تکرار کننده و تداعی گر سنت‌های مذهبی، سیاسی آفرینندگی و خداوندگاری به شمار می‌روند. تمام ویژگی‌های یک شاه خوب آنهایی هستند که خدایان دوره‌ی اساطیری دارند. می‌توان در یک تحلیل اسطوره‌ای شاه را سپهد خدایان دانست. او مظهر زمینی خدایان است. مهم‌ترین کار ویژه‌ی خدایان، آفرینش و نگاهبانی آفریده‌هایش از کانون بدی، یعنی اهریمن است. اهورامزدا هم خود را نگاهبان می‌نامید. خویشکاری شاه در روی زمین همان است که با آفرینش از نوع زمینی روند زندگی را به گردش درآورد.

کیومرث شد بر جهان کدخدای	نخستین بکوه اندرون ساخت جای
سر تحت و بختش برآمد زکوه	پلنگینه پوشید خود با گروه
از او اندرآمد همی پرورش	که پوشیدنی نو بود و نو خورش

(۹-۱۱/۲۸/۱)

این ابیات، خویشکاری زمینی و نمایندگی شهریار از سوی خدایان را به تصویر می‌کشد. نظم و آفرینش زمینی، یعنی سامان دادن به زندگی و توسعه در سنت زرتشتی پس از آفرینش، تازش اهریمن منجر به کشته شدن کیومرث می‌شود. در شاهنامه همین تازش موجب کشته شدن سیامک پسر کیومرث می‌گردد. با این تفصیل می‌توان برآن بود جنگهایی که شاه روی زمین با دشمنان می‌کند مصداق زمینی کارکرد خدایان در مبارزه با اهریمن است، اهورامزدا دارای همان ویژگی‌هایی است که شاه آرمانی شاهنامه باید داشته باشد. از